

بررسی نقش فرهنگ سیاسی نخبگان در هویت قومی توده و تأثیر آن بر پذیرش نظم سیاسی (مطالعه موردی: ایلام)

فاطمه نصرالهی^۱، اکرم حمیدیان^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

DOI: 10.30495/JISDS.2023.73667.11903

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش فرهنگ سیاسی نخبگان در هویت قومی توده‌ی مردم و آموزش و پذیرش نظم سیاسی می‌باشد. جامعه‌ی آماری ما شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ایلام است. نخبگان جامعه به واسطه قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از توده‌ی مردم متمایز می‌باشند. اگر فرهنگ سیاسی را نوع نگرش افراد جامعه به نظام سیاسی تعریف کنیم نخبگان و توده‌های جامعه از فرهنگ سیاسی متفاوتی برخوردارند و در جوامعی که دارای هویت قومی می‌باشند نوع فرهنگ سیاسی حاکم در تشدید یا تضعیف هویت قومی و اعتماد سیاسی آنان و در نتیجه آموزش و پذیرش نظم سیاسی می‌تواند اثر گذار باشد. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است. پرسشنامه‌ها بر اساس فرمول کوکران بین ۳۸۴ نفر شهروند ایلامی توزیع گردید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی نخبگان بر فرهنگ سیاسی توده‌ی مردم ایلام نقش مؤثری در ایجاد کاهش احساس تبعیض ناشی از هویت قومی و در نتیجه پذیرش نظم سیاسی و به تعبیر گرامشی ایجاد یک هژمون و اجماع فرهنگی دارد. دستاوردهای این پژوهش بیانگر آن است که میزان اعتماد سیاسی در شدت و یا ضعف هویت ملی نقش بسزایی دارد و پذیرش نظم سیاسی به عنوان یکی از نمودهای هویت ملی در بین شهروندان ساکن ایلام با در نظر گرفتن هویت قومی؛ در زنان به دلیل ویژگی اقناع پذیری نسبت به مردان در سطح مطلوبی قرار دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد سیاسی، فرهنگ سیاسی توده، فرهنگ سیاسی نخبه، هویت قومی، شهروندان ایلام

^۱ مربی، گروه تاریخ، بخش علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور. تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(Email: nasrolahi2023@pnu.ac.ir)

^۲ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: hamidian@pnu.ac.ir)

۱. مقدمه

تقابل عوام در برابر خواص در طول تاریخ همیشه از مسائل اجتماعی بوده است که در فرآیند مسائل سیاسی کشور نیز به عنوان تقابل طبقه‌ی حاکم و محکوم خود را نشان داده است. با بررسی تاریخ ایران می‌توان دریافت که نوع رابطه‌ی حاکمان با زیردستان از نوع حاکمیت شبان-رمگی بوده است. با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و برقراری حکومت قانون و برابری همه‌ی آحاد ملت ایران در برابر آن انتظار می‌رفت همانگونه که در قانون مشروطیت اختیارات طبقه‌ی حاکم و شخص شاه محدود شده بود در عمل نیز این اتفاق را شاهد باشیم این در حالی است که با ناکامی نظام مشروطه و روی کار آمدن دولت‌های پهلوی نوع نگاه به توده‌ی مردم نگاهی اقتدارگرایانه بود و توجه به عامه‌ی مردم به عنوان بخش اعظم جامعه‌ی ایران و دارای حقوق شهروندی تا زمان انقلاب اسلامی به تعویق افتاد. با رویکرد مردم‌گرایی و مردم‌باوری جمهوری اسلامی و همچنین گسترش میزان آگاهی و امکان دسترسی توده به داده‌های اطلاعاتی، تقابل عوام و خواص تا حدی در هم شکسته شد و توده‌ی مردم مطالبه‌گری را حق مسلم خود می‌دانستند اما جامعه‌ی ایران را کماکان دو گروه کلی خواص و عوام تشکیل می‌داد که از نظر دسترسی به منابع قدرت در یک سطح نبودند و در شهرهای محرومی مانند استان ایلام با دارا بودن قومیت کرد که در طی جنگ تحمیلی متحمل خسارات و زیانهای بسیار گردید این امر ملموس‌تر بود. در جوامع محروم همواره فاصله طبقاتی سیاسی بین عوام و خواص، به نفع طبقه خواص بوده است و خواص به واسطه برخورداری از منابع قدرت مالی، اجتماعی و سیاسی قدرت فکری قابل نفوذ و اعمال بر توده‌ها را دارند. در استان محروم ایلام نیز تقریباً همین شرایط برقرار است و عده معدود نخبگان قدرت به ویژه نخبگان سیاسی، هدایت‌گر فرهنگ سیاسی و افکار عمومی جامعه هستند. افزون بر فاصله قدرت بین عوام و نخبگان، باید به فضای مبتنی بر طایفه‌گرایی شدید در این منطقه نیز اشاره شود، طایفه‌گرایی که در بیشتر موارد عامل قدرت نخبگان سیاسی است. طبق برخی آمارهای رسمی اعلام شده از سوی رسانه‌های جمعی، مردم این استان بیشترین مشارکت سیاسی به خصوص در زمینه‌ی حضور در انتخابات را دارا هستند به طوری که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ استان ایلام با مشارکت ۶۳/۱۱ رتبه‌ی سوم بالاترین میزان مشارکت را به خود اختصاص داده است. (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۰/۰۴/۶) که می‌تواند ناشی از تلاش برای ایجاد یک هژمونی از سوی نخبگان جامعه باشد. بنابراین سؤال اصلی این است که بین فرهنگ سیاسی نخبگان و فرهنگ سیاسی توده چه ارتباطی برقرار است و چه فرهنگ سیاسی نخبگان چه تأثیری در پذیرش یا عدم پذیرش نظم سیاسی دارد؟ بر این اساس است فرضیه‌ی اصلی پژوهش این است که فرهنگ سیاسی توده متأثر از فرهنگ سیاسی نخبگان است اما این اثرگذاری در بین زنان بر اساس ویژگی اقتناع‌پذیری بیشتر از مردان بوده است. بر اساس تحقیق میدانی زنان منطقه‌ی ایلام به دلیل میل به آزادانه رفتار کردن که ناشی از جایگاه دوم نسبت مردان در فرهنگ قومی است از شرایط اقتناع‌پذیری بهتری برخوردارند.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد فرهنگ سیاسی نخبگان و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی توده در یک منطقه‌ی خاص جغرافیایی با هویت قومی مشخص پژوهشهای کمی صورت گرفته است و در بیشتر بررسی‌های صورت گرفته در حوزه فرهنگ سیاسی متغیرهای مستقلی مانند مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند. توجه به فرهنگ سیاسی از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر با توجه به وجود بحرانهای جهانی در سطح اقتصاد، سیاست و فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است. در این میان در تضاد منافع برخی دولت‌ها وجود قومیت‌ها دستمایه‌ای برای رسیدن به اهداف سیاسی شده است. کشور ایران نیز با وجود قومیت‌های کرد، لر، ترک، عرب از جمله کشورهایی است که بارها در طول تاریخ از این زاویه تهدید شده است از این رو جامعه‌شناسان و سیاست‌پژوهان به بررسی مسائل مختلف و ارائه راهکارهایی در این زمینه پرداخته‌اند.

محمد تقی ایمان (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردان و زنان بالای ۲۰ سال شهر شیراز» اشاره کرد که فرهنگ سیاسی مردان و زنان مورد پیمایش را فرهنگی تابع می‌داند و وفاداری زنان را بیشتر از مردان عنوان داشته ضمن اینکه مردان از جامعه پذیری سیاسی بهتری و در نتیجه مشارکت سیاسی برخوردارند.

وحید سنایی و غلامرضا ابراهیم آبادی (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «کثرت گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران» ظهور و رونق گفتمان کثرت گرایی فرهنگی در سایه ی تحولاتی که تحت عنوان «جهانی شدن» مطرح شده اند، را موجب توجه به گوناگونی فرهنگی درون سرزمینی، واگذاری بخشی از اختیارات به اقلیت‌ها و قومیت‌های فرهنگی، تعدیل سیاست‌ها، احقاق حقوق شهروندان، حرکت به سوی نظام‌های غیرمتمرکز و اتخاذ راهبرد کثرت گرایی فرهنگی از جانب کشورهای مختلف شده می‌داند.

محمد حسن الهی منش (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان تأثیر فرهنگ سیاسی نخبگان بر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران به نقش اثر گذار فرهنگ سیاسی نخبگان در هویت ملی پرداخته است که پیامد آن مشارکت سیاسی مردم بوده است.

سید شمس الدین صادقی و لقمان قنبری (۱۳۹۶) در کار پژوهشی خود با عنوان فرهنگ سیاسی توده، دولت‌های وا مانده و مسأله توسعه سیاسی ایران، فقدان بسترها و فرصت‌ها از سوی دولت را عامل بازدارندگی فرهنگ سیاسی توده در مسیر توسعه بیان می‌دارد.

احسان لشکری تفرشی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان جستاری در شناخت عوامل جغرافیایی مؤثر در شکل دهی به فرهنگ سیاسی تمرکزگرا در ایران در قرن معاصر، تکوین حکمرانی بسیط در فرهنگ سیاسی دولت و ملت ایران را نتیجه‌ی عوامل استراتژیک، خرده فرهنگ‌های انسانی و وجود منابع فسیلی بی بدیل در ایران و اثرات آن در افزایش قدرت دولت در بی نیازی به جامعه مدنی می‌داند. تفرشی موقعیت جغرافیایی حائل ایران مابین قدرت‌های بری و بحری و صدمات و خساراتی که از این بابت بر ملت ایران وارد گردیده است را عامل تمرکز گرایی در فرهنگ سیاسی به شمار می‌آورد.

غلام رضا خواجه سروی و عباس فرهادی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» به بررسی نقش رفتار نخبگان سیاسی در اعتماد مردم در دهه ۱۳۵۷-۱۳۶۸ پرداخته اند و اعتماد سیاسی مردم را به دلیل مردم‌گرا بودن نخبگان سیاسی و وجود شخصیت‌های سیاسی و مذهبی از طبقه‌ی پایین مردم مانند امام خمینی (ره) علی رغم بحران جنگ تحمیلی در حد بالا توصیف می‌کند.

مسعود مطلبی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان فرهنگ سیاسی نخبگان و حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت اصلاحات) گفتمان و فرهنگ سیاسی نخبگان را در نهادینگی برخی از شاخصه‌های حکمرانی خوب مؤثر می‌داند.

سلام امینی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام» محرومیت نسبی و تعلق طایفه‌ای در اعتماد سیاسی افراد مورد توجه قرار داده اند و سطح مشارکت سیاسی مردم را به دلیل تعلقات طایفه‌ای را افزایشی دانسته اند. که البته این مشارکت بیشتر در انتخابات شوراهای خود را نشان می‌دهد.

اگرچه هر کدام از این پژوهش‌های صورت گرفته متغیرهای مستقل و وابسته اعتماد سیاسی، فرهنگ سیاسی، هویت قومی، توسعه سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند اما آنچه که این پژوهش که آن را از دیگر پژوهشها متفاوت می‌کند بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان به عنوان یکی از متغیرهای مستقل هویت قومی در منطقه‌ی جغرافیایی متفاوت است و البته نگاهی نیز به تأثیر آن بر

پذیرش نظم سیاسی دارد که از جمله مباحث مهم در حوزه‌ی انسجام ملی است و رابطه‌ی عمیقی با هویت قومی، هویت ملی و اعتماد سیاسی دارد.

ابراهیمی (۲۰۲۳) در مقاله "دولت، سیاست هویت و مرزهای قومی در افغانستان: مورد مطالعه هزاره‌های سنی" بیان می‌کند که در سال‌های اخیر، تعداد فزاینده‌ای از فعالان در افغانستان فعالانه خود را به عنوان هزاره‌های سنی معرفی می‌کنند. این روند یک تغییر مهم را نشان می‌دهد که روشن می‌شود چگونه مرزهای قومی ممکن است در واکنش به نخبگان سیاسی و سیاست‌های دولتی در افغانستان تغییر و تکامل یابند. ابراهیمی استدلال می‌کند چون در سال‌های اخیر گروه‌های قومی شیعه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و تحت حکومت‌های پی در پی در افغانستان به حاشیه رانده شده‌اند اکنون دیگر با عنوان عمومی شیعه خوانده می‌شوند و تمایل دارند که با هویت محلی مبتنی بر مکان یا زبان شناخته شوند. او با رویکردی برساخت‌گرایانه به فرآیند تعاملی بین تشکیل دولت و برنامه‌های ساخت هویت ملی از بالا به پایین و مقاومت از پایین به بالا توسط گروه‌های خاص و بیان قومی و سایر اشکال هویت‌های قومی سیاسی تأکید می‌کند.

۳. مبانی نظری

در رابطه با فرهنگ و سیاست پرسش اصلی این است که آیا سیاست فرهنگ ساز است یا فرهنگ سیاست ساز، در این زمینه نظریات متعددی از سوی اندیشمندان این حوزه ارائه شده است مارکس وبر^۱ بر این باور است که فرهنگ متأثر از قدرت است و آن را بازتاب منافع یک عده‌ی خاص که همان صاحبان قدرت است می‌داند. به تعبیر مارکس وبر، زیر بنا همان شیوه‌ی تولید است؛ سیاست و فرهنگ نیز روبنا می‌باشند که اثر پذیری فرهنگ از سیاست با توجه به ماهیت قدرت بیشتر است. (لینکلتر، ۱۳۸۶: ۲۳۳) در اندیشه‌ی گرامشی^۲ نیز به روبنا اصالت و اهمیت بسیاری داده شده است و قوانین عینی تاریخی به درجه دوم اهمیت تنزل یافته است از دیدگاه تاریخ‌گرای گرامشی، واقعیت اجتماعی صرفاً محصول ذهنیت تاریخی یک طبقه‌ی اجتماعی است و از این رو سخن گفتن از قوانین عینی در تاریخ بی‌معنی است. گرامشی در واقع با نفی تصور کلاسیک دوگانگی زیربنا و روبنا، در پی احیای استقلال ایدئولوژی و فرهنگ است. (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۴۰) عملاً می‌توان گرامشی را اولین نظریه‌پرداز سیاست فرهنگی نامید، چرا که او سیاست را نه منحصر به سطح دولت بلکه پدیده‌ای تلقی می‌کند که در همه‌ی روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی رخ می‌دهد بنابراین احتیاج به برنامه‌ریزی فرهنگی جهت جلب طبقات حکومت شونده دارد. او در تعریف هژمونی خود بر این باور است که گروه‌های حاکم با استفاده از ابزار اجتماعی و تبیین یک نگرش سیاسی و یا یک ایدئولوژی بر فرهنگ سیاسی توده تأثیر می‌گذارند (RUPERT, 2009: 177) به عبارتی او بر این باور است که گروه سلطه با نفوذ و داشتن قدرت رسانه بر فرهنگ عامه اثر گذار هستند و ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کنند که در راستای اهداف خود است. هسته‌ی سخت و دال مرکزی اندیشه‌ی گرامشی مفهوم هژمونی است. (اعتماد، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۶) نکته‌ی بسیار مهم نزد گرامشی بیان آن است که «عقل سلیم» حاوی عناصر متعدد و رقیبی است که محصول مذاکره بر سر معناست که تمامی گروه‌های اجتماعی در آن شرکت دارند. هژمونی صرفاً سلطه نیست، بلکه فرایند مذاکره‌ای است که طی آن اجماعی بر سر معنا بدست می‌آید (یورگنس، فیلیپس، ۱۳۸۹، ۱۳۲) در پرتو این مذاکره است که طبقه‌ی مسلط سیاسی توانسته است طبقات جامعه را به پذیرفتن ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب کند. این ترغیب از طریق اقتناع صورت می‌گیرد. اقتناع دارای ویژگی روانشناختی است که فرد به واسطه‌ی آن احساس آزادای در انتخاب اهداف و رهنمودهای تعیین شده را دارد. گرامشی معتقد است که قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه‌ی حاکم یا قدرت با عنف و جبر، نهفته نیست، بلکه در این است که کسانی که بر آنان حکومت می‌شود مفهومی از جهان را پذیرفته‌اند که متعلق به طبقه حاکم

¹ Max Weber

² Gramsci

است از نظر او، حکومت به یاری هژمونی، توأم با رهبری فکری و اخلاقی، صورتی است از قدرت که ثبات را تضمین می‌کند و قدرت را بر پایه‌ی موافقت و تأیید وسیع، استوار می‌سازد. (کازمیان، ۱۳۸۴: ۲۲)

۴. فرهنگ

تاکنون از فرهنگ تعاریف متعدد و کم و بیش مشابه ارائه شده است. تایلور^۱ فرهنگ را در معنی دانش، عقاید هنرها و اخلاق و رسوم و سایر یافته‌های اجتماعی انسان به کار می‌برد و مالینوفسکی^۲ آن را شامل فرهنگ مادی، ارزشها، هنجارها و رفتارهای واقعی می‌داند در حالی که راد کلیف براون بر این عقیده است که فرهنگ شکل‌های استاندارد شده رفتار، افکار و احساسات اعضای جامعه است. در جستجوی تعریفی جامع تر و فراگیرتر از فرهنگ شاید بتوان گفت که فرهنگ هر جامعه ثمره‌ی کوشش‌هایی که اعضای آن جامعه در طول قرون و نسل‌ها در پاسخگویی به نیازهای مادی و غیرمادی خود به عمل می‌آورند. برای فرهنگ ویژگی‌های نیز می‌توان بر شمارد که از جمله‌ی آن آموزش پذیری و انتقال پذیری آن است و انتقال پذیری فرهنگ در واقع نتیجه آموزش پذیر بودن آن است که در دو دسته زمانی و مکانی صورت می‌گیرد. فرهنگ از طریق آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تداوم می‌یابد و این همان انتقال در بستر زمان است. فرهنگ همچنین در پی جابجایی‌ها و تماس‌ها و انواع گوناگون ارتباطات انسانی در بستر مکان نیز جابه‌جا می‌شود و عناصر و اجزای آن از قوم و جامعه‌ی ای به قوم و جامعه‌ی دیگر انتقال می‌یابد (کوش، ۱۳۷۱: ۲) و بر منش افراد نیز تأثیر گذار است. این امر وقتی اهمیت می‌یابد که بین فرهنگ طبقه‌ی حاکم با طبقه‌ی محکوم تمایز وجود داشته باشد.

۵. منش

بین منش و فرهنگ ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد. در واقع ریشه‌ی بسیاری از رفتار افراد را بایستی در منش و عادت واره‌های آنان جستجو کرد پیش‌تر آمد که فرهنگ سیاسی نگرش افراد و فهم افراد به مسائل سیاسی را شامل می‌شود که بخشی از این فهم ریشه در تجارب تاریخی و بخشی از آن متأثر از عامل اول ریشه در منش افراد دارد. عادت واره یا منش فهم و برداشت انسان از دنیا و نگرش او را شامل می‌شود (Bourdieu, 1972: 280) منش مجموعه‌ای از قابلیت‌هایی است که فرد در طول زندگی خود آنها را درونی کرده است و نتیجه‌ی یادگیری می‌باشد و بدون آنکه لزوماً نسبت به آن آگاهی داشته باشد بر اساس آن عمل می‌کند، یعنی در واقع ذهنیتی اجتماعی شده و درونی شده است که متفاوت از عادت است و به عبارتی ترکیبی از عین و ذهن برای ساختن شخصیت افراد است. (دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۲۹) منش هم عاملیت و رفتارهای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم میدان‌هایی که برای عمل خود انتخاب می‌کند را متأثر می‌سازد. بنابراین زنجیره اعمال و افکار انسان به شدت تحت تأثیر محیط اجتماعی است (Martin, 2003: 7). و از آنجا که افراد با موقعیت‌های مشترک منش‌های مشترک نیز دارند (Bourdieu, 1990: 59) این موضوع رفتار توده‌ها و نخبگان در یک موقعیت مشترک قابل تحلیل و حتی پیش‌بینی کرده است. ضمن اینکه در جامعه‌ی ای با تنوع قومی تفاوت‌های فرهنگی و حتی تمایز در منش افراد جامعه را شاهد هستیم. حتی موقعیت جغرافیایی، نزدیکی یا دوری از مناطق مرزی در تنوع فرهنگی و منش متفاوت افراد یک جامعه اثر گذار است. (مصاحبه میدانی ۱۴۰۱)

۶. فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی را نظام عقاید تجربی نمادهای معنوی و ارزش‌هایی تعریف کرده‌اند که شرایط پدید آمدن فعالیت سیاسی را تعریف می‌کند (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹: ۲۰). در فرهنگ سیاسی مفاهیم دولت، شهروند، قدرت، آزادی و دیگر پدیده‌های مطرح در

¹ Tylor

² Malinowski

قلمرو سیاست مورد توجه قرار می‌گیرد. تصور مردم یک جامعه به قدرت، نوع رابطه‌ی حکومت و مردم، چگونگی تأمین آزادی و عدالت و استقلال و بیش افراد نسبت به سرشت انسان، نخبه‌گرایی یا توده‌گرایی همگی در قلمرو فرهنگ سیاسی قرار دارند (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

فرهنگ سیاسی حاصل تعامل چهار عنصر فرهنگ توده، فرهنگ نخبگان، ساختار سیاسی و تجربه‌ی سیاسی-تاریخی یک ملت است (نفیسی، ۱۳۷۹: ۱۷۷). در نظام‌های سیاسی می‌توان به دو نوع فرهنگ سیاسی اشاره کرد ۱- فرهنگ سیاسی نخبگان ۲- فرهنگ سیاسی توده. در فرهنگ سیاسی نخبه توجه به امتیازات، احساسات و الگوهای رفتار کسانی است که درون نظام سیاسی نقش فعالی دارند و بر روندهای نظام اثر گذار هستند اما فرهنگ سیاسی توده از ایستارها و واکنش‌های توده نسبت به سیاست شکل می‌گیرد. (پای و دیگران: ۱۳۸۰: ۱۶۱-۱۶۲) فرهنگ سیاسی از سه بعد می‌تواند نشأت بگیرد:

۱. بعد شناختی که شامل دانش نسبت به نظام سیاسی، نهادها و مسؤولین آن، ورودی‌ها و خروجی‌های سیاسی این نظام سیاسی است.

۲. بعد احساسی: احساسی که شهروند نسبت به نظم سیاسی و مسؤولین دارد

۳. بعد ارزیابی: نحوه‌ی تجزیه و تحلیل شهروندان از مسائل سیاسی جامعه و کشور خود (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹).

به طور کلی میان فرهنگ سیاسی و ساخت قدرت رابطه‌ی باز تولید و گزینش وجود دارد با این حال می‌توان تأثیر ساخت‌های سیاسی بر فرهنگ سیاسی را انتزاع کرد (بشیری، ۱۳۸۲: ۶۶۷). در فرهنگ سیاسی ایران قدرت ارزش اجتماعی فوق العاده‌ای است که دستیابی به سایر مزایای اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۷۲).

۷. اعتماد سیاسی

در هر تمدن یا فرهنگی دستگاه سازمان یافته‌ای از مفاهیم وجود دارد که بیانگر منش خاص آن تمدن است در برابر این دستگاه مفاهیم ذهن فردی قرار دارد که آن را خوب جذب می‌کند چراکه برای داد و ستد با هم نوعانش به آن نیاز دارد ولی جذب آن‌ها در خود همواره ناکامل است زیرا هریک از این افراد مفاهیم را به شیوه خود درک می‌کنند و برخی از آنها از گنجایش و ظرفیت ذهنی و فکری وی بیرون است برخی دیگر از مفاهیم فقط بخش‌ها و جنبه‌های خاصی از آن درک می‌شود بسیاری از مفاهیم نیز با اندیشیدن افراد به آنها ماهیتشان تغییر می‌کند. با این حال ماهیت مفاهیم جمعی هستند و تغییر ماهیتشان جز اینکه به صورت جمعی اتفاق بیفتد میسر نیست توافق بر سر یک مفهوم می‌تواند نشان از عینیت آن مفهوم باشد زیرا تعمیم یافتن و به حد کافی پایدار ماندن یک مفهوم بی دلیل نیست و اگر چنین مفهومی با طبیعت اشیاء توافق نداشت نمی‌توانست سلطه گسترده و مداومی بر اذهان به دست آورد. اکثر مفاهیمی که امروزه به کار برده می‌شوند از زبان گرفته شده‌اند یعنی از تجربه‌ی مشترک بدون آنکه هیچ نقد و سنجشی روی آن صورت گیرد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که اگر مفاهیم با دیگر اعتقادات و مجموعه‌ی تصورات ذهنی هماهنگ نباشند کسی آنها را باور نخواهد کرد. (دورکیم، ۱۳۸۴: ۶۰۴) در مورد اعتماد سیاسی نیز این قضیه صدق می‌کند به عبارتی با استناد به چگونگی عینیت یافتن یک مفهوم می‌توان اذعان کرد که مفهوم اعتماد سیاسی مادامی در ذهن ملموس می‌شود که در عینیت مصداقی برای آن باشد. به طور کلی زندگی سیاسی در متن گفتمان‌های سیاسی سازمان می‌گیرد و هر گفتمانی امکانات گوناگون زیست سیاسی را در شکل خاصی محقق می‌سازد و به دولت، جامعه و فرد هویت ویژه‌ای می‌بخشد (بشیری، ۱۳۸۲: ۶۹۲) از آن جا که افکار و اعمال انسان متأثر از محیط اجتماعی است رفتار فرد و میدان‌هایی را که برای عمل کردن انتخاب می‌کند را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. (Martin, 2003, 7). در واقع می‌توان گفت بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان) و تجارب سیاسی افراد از کارآمدی دولت رابطه تنگاتنگی وجود دارد. (Hetherington, 1998, 808) مادامی که فرد به دولت و نظام حاکم اعتماد سیاسی داشته باشد ما شاهد یک جامعه سیاسی با نظم سیاسی و پذیرش

آن از سوی مردم خواهیم بود که رابطه‌ی مردم و سیاسیون رابطه‌ای محفل نظم و امنیت نمی باشد باید در نظر داشت که حضور و وجود تفاوت‌ها باعث ایجاد حس تمایز و تقابل «من» و «دیگری» می شود می تواند نظم سیاسی را در هم بریزد و این شاید به دلیل ماهیت تعارضی علم سیاست است (Leiviska, 2019: 6-7)

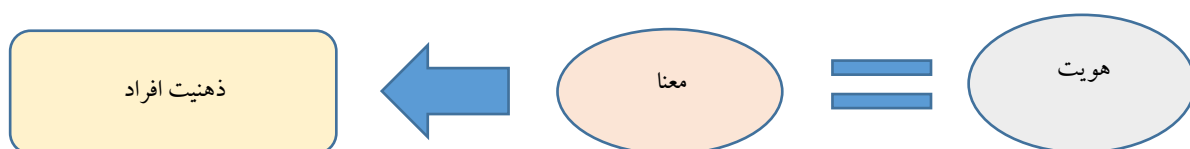
جامعه سیاسی از راه تعیین هویت و غرور ملی اندازه گیری می شود و اعتماد سیاسی خود را در میزان مشارکت مردم در انواع انتخابات، در معرض رسانه‌های دولتی واقع شدن، قلت میزان شایعات، رعایت مقررات و قوانین و حضور در انواع فعالیتهای عمومی که یک طرف آمن دولت است نشان می دهد اعتماد یا عدم اعتماد سیاسی علاوه بر نحوه عمل حکومت از نحوه نگرش مردم در باب مبانی مشروعیت‌ها یا عوامل مشروعیت‌ها نشأت می گیرد (محمدی، ۱۳۷۹: ۳۳). و همه این مسائل در حقیقت پیامدی جز ایجاد و حتی آموزش نظم سیاسی ندارد چراکه علم سیاست ماهیتی آینده اندیش و آینده نگر دارد از این رو بسیاری از آینده پژوهان نقش این علم را در بسیاری از تحولات آینده پررنگ می دانند (ایزدی، ۱۳۹۵: ۴۷).

۸. هویت قومی

از نظر برخی اندیشمندان قوم گرایی^۱ یکی از مهمترین ویژگی‌های مرتبط با روش زیست انسانها در فرهنگ اسطوره ای است از دیگر مشخصه‌ها می توان به الهه گرایی، پیشگو پروری، رازگرایی، درهم گرایی، توتم گرایی، تابو زدگی، مناسک و آئین محوری اشاره کرد (نادری فارسانی، ۱۳۹۱: ۸۶) ما در علوم اجتماعی اصطلاح قوم گرایی نداریم اما اگر از قوم گرایی مفهوم قوم مداری برداشت می شود به آن معناست که با معیارهای قومی خود فرهنگ‌های دیگر را سنجیده و نسبت به محور قرار دادن آن معیار تعصب داشته باشیم (زارع کهنمویی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

درباره‌ی احساس هویت بایستی اذعان داشت که استقرار در یک موقعیت جغرافیایی که بتوان آن را تداوم تاریخی نامید هویت مشترک را به دنبال دارد این مسأله هم در سطح خرد (قومیت‌ها) و هم در سطح کلان (مردم یک کشور) صدق می کند (میر حیدر، ۱۳۸۲: ۸۷)

بایستی در نظر داشت که هویت قومی طبق اصل نوزدهم قانون اساسی سبب امتیاز نمی گردد و همه از حقوق مساوی برخوردارند در اندیشه‌ی رهبر کبیر انقلاب نیز به لحاظ هویت قومی هیچ تفاوتی بین اقوام وجود ندارد و مبنای تفاوت بر اساس آموزه‌های اسلامی همان تقواست (زارع کهنمویی، ۱۳۹۴: ۴۴ و ۲۴۴) اگرچه همانگونه که پیش تر آمد در بین افراد جامعه، هویت به واسطه ماهیت معنایی که دارد ذهنیت افراد را شکل می دهد و به واسطه‌ی آن ذهنیت رفتارها، کنش و واکنش افراد نیز شکل می گیرد شکل ۱ بیانگر این رابطه است. اما نقش جامعه در شکل دهی را نباید از نظر دور داشت.



شکل ۱- رابطه هویت و معنا

از میان جامعه شناسان کسانی مانند هربرت مید^۲ و گافمن^۳، در ذیل مباحث کنش مقابل نمادین، نقش جامعه در ساخت هویت افراد را مورد بررسی قرار داده اند. مید بر این باور است تصویری که فرد از خود می سازد بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت

¹ Ethnocentrism

² Herbert Mead

³ Erving Goffman

به او دارند. (کوئن، ۱۳۷۳: ۹۳) از دید هربرت مید واحد تحلیل رفتار کنش اجتماعی است (لارسن، ۱۳۷۷: ۵۹) تصور مید از هستی انسان به عنوان یک موجود کنشگر است که دارای خود می‌باشد و این خود، انسان را موجودی می‌سازد که از دیگر موجودات جهان هستی ممتاز است. البته خود چیزی نیست که از بدو تولد همراه انسان باشد، بلکه چیزی است که انسان در طول زندگی و تجربه اجتماعی آن را می‌سازد. در واقع، مید معتقد است: انسان در کنش‌های متقابل قادر است تا معانی اشیا و مفاهیم اشارات و نمادها را از طریق درک زبان فرا گیرد. انسان برای درک معانی اشیا و نمادها باید امکاناتی داشته باشد که از نظر مید، بخشی از این امکانات مادی هستند که از تکامل زیستی حاصل می‌شوند و بخشی روانی - اجتماعی. تشکیل خود مستلزم این است که انسان به عنوان موجودی انسانی با موقعیت‌ها روبه‌رو شده و آنها را به طور اجتماعی تجربه کند و انسان تنها موجود طبیعی است که می‌تواند خودآگاه بوده و دارای خود باشد. این امکانات نه تنها او را از دیگر حیوانات جدا می‌کند، بلکه وجه ممیزه انسان از حیوانات است. (تنهایی، ۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۲۸) گافمن نیز در زمینه شکل‌گیری هویت بر این باور است که شرایط اجتماعی فرد و توانایی‌های او هویت شخص را می‌سازد. گافمن می‌گوید: «شکاف میان آنچه که یک شخص باید باشد، یعنی همان هویت اجتماعی بالقوه، و آنچه که یک شخص واقعاً هست (هویت اجتماعی بالفعل)، داغ گفته می‌شود.» داغ ننگ از مبانی نظری گافمن است و معتقد است وجود عامل بی‌اعتباری چه آشکار مانند نقص عضو داشتن و چه پنهان مانند سابقه‌ی کیفری داشتن که اولی آشکار و دومی پنهان است بر کنش و هویت افراد تأثیر می‌گذارد (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۹۸).

۹. توده‌ها و نخبگان

«عوام» یا «توده» در عمومی‌ترین معنای خود تا آنجا که از آن، انبوه نامعین و بی‌شکل حاصل از آحادی یکسان و یا یکسان فرض شده، استنباط شود صرفاً مفهومی کمی است این انبوه هرچند اجزاء آن را افراد متفاوت با یکدیگر تشکیل دهند، تنها از طریق شمار خود مؤثر می‌شود و اعتبار می‌یابد. در رابطه‌ی انسانی در مقابل این توده‌ی بی‌شکل و گمنام جوامع معین و منقسم و شخصیت‌های پراکنده قرار دارند. در این ارتباط هرگاه شخصیتی بزرگ و دارای اهمیت و برجسته‌ای منظور باشد «عوام» بلافاصله مفهومی دیگر و از لحاظ کیفی تحقیرآمیز به خود می‌گیرد به گونه‌ای که انسان به آن به دیده‌ی پدیده‌ی متوسط و میان‌حال و یا حتی به چشم پدیده‌ی پست و رذل می‌نگرد. (گوستالبون، ۱۳۷۱: ۲۲). در برابر توده‌ی مردم، خواص یا نخبگان قرار دارند که از قدرت و توان بالای تجزیه و تحلیل مسائل برخوردارند و از روی فکرو آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند. گروه نخبه از نظر سلسله مراتب در جامعه از بالاترین موقعیت‌ها برخوردار است و رهبری سیاسی را در اختیار دارد تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم به میزان تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی مؤثر می‌باشد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۳ و ۱۶) نخبگان سیاسی را می‌توان گروهی دانست که به واسطه ثروت، پایگاه و موقعیت و قدرت بیشترین تأثیر را بر دستور کار سیاسی کشور، تصمیمات سیاسی و کادر سیاسی کشور دارند (روم و همکاران ۲۰۲۲). در یک تقسیم‌بندی دیگر از تقابل بین و نخبگان و توده‌ها و خواص یا عوام می‌توان به دو گروه سلطه و غیر سلطه اشاره کرد. در یک محیط فرهنگی مشخص همیشه نوعی مرتبه بندی وجود دارد. کارل مارکس^۱ و ماکس وبر^۲ در تأیید اینکه فرهنگ طبقه‌ی حاکم همیشه فرهنگ مسلط است اشتباه نکرده‌اند، آنان با بیان این مطلب قطعاً مدعی آن نبوده‌اند که فرهنگ طبقه‌ی حاکمه از نوعی برتری ذاتی یا حتی از نوعی نیروی اشاعه برخوردار است که از جوهر خاص آن ناشی و سبب می‌گردد که این فرهنگ طبیعتاً بر دیگر فرهنگ‌ها تسلط یابد؛ به نظر مارکس و نیز ماکس وبر قدرت نسبی فرهنگ‌های مختلف در رقابتی است که آنها را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. بنابراین گفتگواز فرهنگ مسلط و

^۱ Karl Heinrich Marx

^۲ Max Weber

فرهنگ زیرسلطه استفاده از انواعی از استعاره است. در واقع چیزی که وجود دارد گروه‌های اجتماعی هستند که نسبت به یکدیگر در رابطه‌ی سلطه و تابعیت قرار دارند. در این چشم انداز فرهنگ زیر سلطه الزاماً فرهنگی از خود بیگانه و کاملاً وابسته نیست فرهنگ زیر سلطه فرهنگی است که در تحول خود نمی‌تواند فرهنگ مسلط را مورد توجه قرار ندهد. گریغون^۱ و ژان کلود پاسرون^۲ بر این باور هستند که روابط سلطه فرهنگی بدان گونه که روابط صلح اجتماعی را می‌توان تحلیل کرد تن به تحلیل نمی‌دهند و این بدان سبب است که روابط میان نمادها طبق همان منطق روابط موجود میان گروه‌ها و افراد عمل نمی‌کند غالباً میان نتایج یا نتایج معکوس سلطه فرهنگی و نتایج سلطه اجتماعی مشاهده می‌شود. یک فرهنگ مسلط نمی‌تواند خود را مطلقاً به همانگونه بر یک قدرت زیر سلطه تحمیل کند که یک گروه اجتماعی می‌تواند با گروه دیگری که ضعیف تر است عمل کند. سلطه‌ی اجتماعی هرگز و برای همیشه تضمین شده نیست و به همین دلیل است که همیشه باید با نوعی تلقین همراه باشد که نتایج آن هرگز یک طرفه نیست. این نتایج گاه نتایج نامطلوب هست «ژیلبر وایت»^۳ معتقد است که خانه تکانی ذهن از پیش داوری‌های خرافی سخت ترین کار در جهان است آنها به کام ذهن ما رسوخ کرده و دیرپا ترین آثار را از خود بر جای می‌گذارند همراه ما رشد می‌کند و آنچنان با تار و پود روان ما در هم می‌پیچند که برای رهایی از آنها قوی ترین احساس نیاز داریم (عسکری ندوشن، ۱۳۸۸: ۱۴۳) نکته‌ای که در اینجا نباید از نظر دور داشت مربوط به چگونگی فرهنگی پذیرش توده هاست. این که توده‌ای از افراد مجموعه متجانس و تشکیل می‌دهند بدان سبب نیست که این افراد پیام معین و مشترکی را دریافت می‌کنند در این که نوعی متحدالشکل سازی پیام‌ها و وسایل ارتباط جمعی وجود دارد تردیدی نیست ولی با این حال این امر اجازه نمی‌دهد متحدالشکل شدن نحوه‌ی دریافت پیام را از آن نتیجه‌گیری کنیم. از سوی دیگر به اشتباه تصور می‌شود که محیط‌های عامیانه آسیب پذیرترین محیط‌ها در برابر پیام‌های وسایل ارتباط جمعی هستند، مطالعات جامعه شناختی نشان می‌دهد که راهیابی پیام‌های ارتباط جمعی به طبقات متوسط عمیق‌تر از راهیابی آنها به طبقات عامیانه است. توجه به شرایط دریافت پیام امری اساسی است ریچار هوگارت^۴ نشان داده است که تأثیرپذیری طبقات عامیانه در برابر پیام‌های وسایل ارتباط جمعی حالتی بسیار گزینشی دارد این تأثیرپذیری وابسته به چیزی است که او آن را توجه انحرافی می‌خواند و از منشی عام ناشی می‌شود که مبتنی بر احتیاط و بدبینی نسبت به هر چیزی است که از محیط مردمی که به آن تعلق دارند بر نخواستہ باشد (کوش، ۱۳۷۱: ۱۲۸). توده از اینکه امور خود را به یک قهرمان بسپارد احساس غروری می‌کند و نوعی مطیع بودن در برابر افراد نامی و مشهور در شخصیت توده عجین شده است (میخلز، ۱۳۸۵: ۳۹-۵۱). با در نظر گرفتن این مسأله حساسیت اثر گذاری فرهنگ سیاسی نخبگان بر فرهنگ سیاسی توده به منظور ایجاد اعتماد سیاسی و در نتیجه جامعه سیاسی بیش از پیش است. در واقع می‌توان گفت که در برخورد با توده‌ی مردم و نخبگان ما به طور کلی با دو نوع منش مواجه ایم، منش طبقه‌ی حاکم و منش طبقه‌ی محکوم. بخشی از این نوع گرایش و خلق و خو به دلیل انگیزه‌های روانی و بخشی نیز محصول جامعه پذیری بلند مدت در شرایط خاص یا موقعیت معین است (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲).

در این روابط سلطه و زیر سلطه می‌توان به دو رویکرد دیگر نیز اشاره کرد رویکرد مردم گرایی، که نخبگان سیاسی و صاحبان قدرت خود را از مردم دور نمی‌دانند و می‌توان به نوعی گفت ما شاهد عوام گرایی هستیم. عوام گرایی در ادبیات سیاسی به معنای یک جریان سیاسی است که در آن باورها و اعتقادهای مردم در تدوین تصمیم‌های سیاسی نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند (Robertson, 2004: 394) ممکن است که عوام گرایی یاد آور واژه پوپولیسم باشد که به نوعی می‌توان به عنوان عوام نما و عوام فریب نیز از آن یاد کرد. پوپولیسم^۵ به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده است که در مورد آن بحث‌های نظری فراوانی وجود دارد. پوپولیسم را ضرورت بسیج توده‌ها از طبقات فرودست و حاشیه نشین شهری و روستایی تعریف کرده‌اند (Suter Suter, 1994:)

¹ Grignon,

² Jean-Claude Passeron

³ Gilbert White

⁴ Richard Hoggart

⁵ popularis

187) برخی پوپولیسم را یک شکل از مدیریت مبارزات انتخابی می‌دانند که سیاستمداران موفق به همراه کردن توده‌ها با خود در جریان‌ات سیاسی و حفظ این همراهی می‌شوند در این نوع مدیریت همراه کردن مردم با نیت خود از طریق ایجاد حس ناسیونالیستی، غرور فرهنگی و وعده‌ی زندگی بهتر صورت می‌گیرد (Mudde & Kaltwasser, 2012, 8).

از آنجا که فرهنگ توده‌ای در تقابل با فرهنگ نخبه‌ها قرار دارد در جریان عوام‌نمایی ما شاهد آن هستیم که نخبه‌ها برای پیش برد اهداف خود از فرهنگ توده‌ای استفاده می‌کنند. فرهنگ توده‌ای برای آنکه به سادگی برای توده‌ها قابل درک باشد به احساسات و عواطف بی‌ارزش اما همیشه در دسترس این توده‌ها متوسل می‌شود و بر همین اساس سطحی و احساس است (آوتویت، باتامور، ۱۳۹۲: ۶۹۷). بنابراین می‌توان گفت یک عامل مهم در روابط سلطه و زیر سلطه نوع گفتمان است. گفتمانی که ریشه در دانش داشته باشد چرا که دانش قدرت است و ابزاری در خدمت سعادت بشر است (شندلباخ، ۱۳۹۴: ۱۸۳) اهمیت گفتمان‌ها در این است که آشکار کننده بازی قدرت در جایگاه مشخص اند. گفتمان‌ها بیانگر ایدئولوژی یک جایگاه طبقاتی نیستند بلکه کنش‌های قدرتی هستند که فعالانه به زندگی مردم شکل می‌دهند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶) و از آنجا که نخبگان از قدرت گفتمان بیشتری نسبت به عامه‌ی مردم برخوردارند قدرت اثر گذاری بیشتری را نیز در اختیار دارند و این کار را از طریق مفهوم سازی شکل می‌گیرد این که افراد یک جامعه خاصه یک قومیت چه احساسی به خود و یا دولت حاکمه داشته باشد بخشی از آن از طریق مفهوم سازی می‌باشد. وقتی ذهن مفهوم سازی می‌کند و امور جهان ذیل مقوله‌های مختلف شکل می‌گیرد تازه معرفت انسان نسبت به محیط پیرامون شکل می‌گیرد (دباغ، ۲۰۱۷: ۵) شاید بتوان این ادعا را داشت که مفهوم سازی برای یک دولت به عنوان یک ابزار قدرت می‌تواند باشد چرا که کنش‌های سیاسی دولت بر مبنای عقل سیاسی ملت است بدون مفهوم سازی دولت امکان طرح ریزی سیاسی آن نیست مفهوم سازی دولت در میان هر ملتی باید بر مبنای ناخودآگاه سیاسی و هویت تاریخی آن ملت باشد (قادری، ۱۳۹۴: ۴۰۳). در واقع ما با دو جریان مردم باوری و عامه گرایی از یک سو و جریان مردم فریبی از سوی دیگر مواجه ایم. که هر کدام داری شاخصه‌هایی به شرح زیر می‌باشند:

جدول ۱- شاخص‌های جریان‌های غالب

جریان عامه نما	جریان مردم باور و عامه گرا
نگاه غیر ارزشی به مردم مانند عوام کالانعام، رعیت، مردم نادان و غیره	نگاه ارزشی به مردم از حیث انسانیت، آزادی، برابری
نادیده گرفتن قدرت مردم و در نتیجه عدم مشارکت دادن آنان در امور سیاسی	باور کردن مردم: اینکه مردم دارای قدرت هستند
در اولویت قرار گرفتن حقوق خواص در برابر عامه مردم	مدافع حقوق مردم بودن به این معنی که مطالبات عامه مردم در اولویت باشد
همراهی و هم نوایی با مردم تنها در شرایط خاص به منظور دستیابی به اهداف خاص	در کنار مردم بودن و با مردم بودن در تمام شرایط
وطن دوستی تا آن زمان که منافع فرد حاصل گردد	وطن پرستی و وطن دوستی به منظور ایجاد حس همبستگی بین عامه‌ی مردم
متوسل شدن به تحریک هیجان‌ات و احساسات مردم برای تصدیق جمعی و پرهیز از استدلال‌های روشن	سعی در آگاه کردن مردم با استدلال‌های روشن

۱۰. جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه مورد پژوهش شامل کلیه شهروندان عادی (۲۰ سال به بالا) شهر ایلام اعم از زن و مرد است که از سال ۱۳۹۹ به نوعی در این شهر مشغول زندگی هستند و در مسیر فرهنگ پذیری قرار داشته‌اند. جامعه آماری بر اساس آخرین سرشماری ۲۱۵۵۴۳ نفر است

که با توجه به ویژگی‌های آماری و زیاد بودن جمعیت برای انجام تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات به طور متوسط ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه بر اساس فرمول آماری کوکران^۱ تعیین گردید.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

شکل ۱: فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه

در این فرمول N حجم جامعه است. آماره p درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه هستند. آماره q نیز درصد افرادی است که فاقد صفت مورد مطالعه هستند. اگر میزان p و q مشخص نباشد از حداکثر مقدار آنها یعنی ۰/۵ استفاده کنید. در تعریف حجم نمونه، نکته مهم معرف بودن آن است. منظور از معرف بودن این است که همه صفات جامعه، خاصه آن صفات مورد نیاز و با اهمیت به تناسب در نمونه وجود داشته باشد و بتوان نتایج به دست آمده را به کل جامعه تعمیم داد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). این تحقیق به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب صورت گرفته است.

ابزار این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود. این پرسشنامه دارای ۲۹ سؤال بسته پاسخ با طیف پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) بود که هویت قومی جامعه آماری را در (۱۵ گویه) و فرهنگ سیاسی را در (۱۴ گویه) بررسی کرده است. در طراحی سؤال‌ها به نظریه گرامشی در خصوص هژمونی قدرت و اقناع کردن توده‌ی مردم از طریق فرهنگ سازی در قلمرو رسانه توجه شده است و سؤال‌های پرسشنامه در حیطه دموکراسی و اعتماد سیاسی با در نظر گرفتن هویت قومی و احساس محرومیت طراحی شد و برای تعیین روایی صوری و محتوایی آن، پرسشنامه اولیه همراه با اهداف پژوهش و فرم ارزیابی، برای ۸ نفر از اساتید و صاحب‌نظران ارسال و از آنان خواسته شد پرسشنامه را بررسی کرده و در فرم ارزیابی نظرهای خود را در یک طیف پنج‌ارزشی از بسیار متناسب تا کاملاً نامناسب، گزارش دهند. میانگین نمره ارزیابی صاحب‌نظران ۴/۱۷ (در طیف پنج‌ارزشی لیکرت) بوده است که بیانگر روایی مطلوب ابزار است. همچنین، پایایی ابزار پس از اجرای مقدماتی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

به منظور تعیین نرمال بودن توزیع جامعه از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف^۲ استفاده شد. نتایج آزمون در جدول شماره ۲، نشان‌دهنده نرمال بودن جامعه آماری می‌باشد.

جدول ۲. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع جامعه

384	N	
1.927	Mean	Normal parameters
0.814	Std. Deviation	
0.34	Absolute	Most Extreme Differences
0.213	Positive	
-0.3102	Negative	
3.62	Kolmogorov- Smirnov	
0.000	Asymp. Sig. (2 tailed)	

پس از جمع‌آوری داده‌ها و وارد کردن آن‌ها در نرم‌افزار SPSS برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عامل و

¹ Cochran

² Kolmogorov- Smirnov Test

همچنین تعیین انسجام درونی داده‌ها از آزمون KMO^۱ و بارتلت^۲ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۳- آزمون KMO و بارتلت برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عاملی

0.8991	اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO	
8307	ضریب بارتلت	آزمون بارتلت
1.904	خی دو تقریبی	
0.000	Sig	
193	درجه آزادی	

در جدول شماره ۴ اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO، آزمون مقدار واریانس درون داده‌هاست که می‌تواند به وسیله عوامل تبیین شود. در صورتی که مقدار KMO کمتر از 0.5 باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین 0.5 تا 0.69 باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از 0.7 باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. چون مقدار KMO برابر با 0.8991 می‌باشد؛ بنابراین، کفایت تعداد نمونه‌ها برای به کار بردن تحلیل عاملی تأیید می‌شود. برای پایایی گزاره‌های پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و از روش غربال‌زنی نیز برای اعمال روایی در پرسشنامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ تمام گزاره‌ها، مقادیر بیشتر از ۰٫۸ داشته‌اند که شاخص تأیید پایایی پرسشنامه می‌باشد. برای افزایش روایی علاوه بر تأیید آن از طریق غربال‌زنی، روایی صوری پرسشنامه نیز، توسط استادان گروه آمار دانشگاه بازرگاری و تأیید شد.

جدول ۴: آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	آلفا
مردم‌گرایی	0.879
اعتماد سیاسی	0.832
فرهنگ سیاسی	0.864
هویت ملی	0.87

ضریب آلفای کرونباخ تمام گزاره‌ها، مقادیر بیشتر از ۰٫۸ داشته‌اند که شاخص تأیید پایایی پرسشنامه می‌باشد. برای افزایش روایی علاوه بر تأیید آن از طریق غربال‌زنی، روایی صوری پرسشنامه نیز، توسط استادان گروه آمار دانشگاه بازرگاری و تأیید شد.

جدول ۵- فراوانی و درصد فراوانی نمونه بر حسب متغیر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۱۹۲	۵۰
مرد	۱۹۲	۵۰
کل	۳۸۴	۱۰۰

۱۱. یافته‌های تحقیق

جدول (۶) نشان می‌دهد که از ۳۸۴ نفر نمونه پژوهش، ۸۰ درصد افراد در مناطق شهری سکونت دارند. بیشترین سن نمونه پژوهش بین ۴۰ تا ۴۵ سال به میزان ۲۳/۶ درصد و کمترین آن پایین تر از ۲۵ سال به میزان ۱۲/۷ درصد بوده است. بیشترین وضعیت تاهل

^۱ Kaiser-Myser-Oklin

^۲ Bartlet Test

بررسی نقش فرهنگ سیاسی نخبگان در هویت قومی توده و تأثیر آن بر پذیرش نظم سیاسی (مطالعه موردی: ایلام) / ۳۷۱

نمونه پژوهش، مجرد به میزان ۵۰/۹ درصد بوده است. بیشترین درآمد ماهیانه نمونه پژوهش، بالای ۲ میلیون تومان به میزان ۳۵/۹ درصد و کمترین آن پایین تر از ۲۰۰ هزار تومان به میزان ۳/۹ درصد است. تحصیلات بیشتر نمونه پژوهش، کارشناسی به میزان ۵۷/۹ درصد بوده است. همچنین، شغل بیشتر نمونه پژوهش، دانشجو به میزان ۶۰/۴ درصد و ۳۲ درصد از نمونه پژوهش طبقه اجتماعی خود را در سطح بالا می دانند.

جدول ۶- توصیف متغیرهای جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	سکونت		سن					تاهل			درآمد ماهیانه				
	روستایی	شهری	کمتر از ۲۵ سال	۲۵ تا ۳۰ سال	۳۰ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۰ سال	۴۰ تا ۴۵ سال	مجرد	متاهل	مطلقه	کمتر از ۲۰۰ هزارت	۲۰۰ تا ۵۰۰ هزارت	۵۰۰ تا ۱ میلیون	۱ تا ۲ میلیون	بالای ۲ میلیون
فراوانی	۳۰/۷	۷۷	۴۹	۷۳	۸۴	۸۸	۹۰	۱۹۶	۱۷۰	۱۸	۱۵	۳۶	۸۴	۱۱۲	۱۳۷
درصد	۸۰/۰	۲۰/۰	۱۲/۷	۱۹/۰	۲۱/۸	۲۲/۹	۲۳/۶	۵۰/۹	۴۴/۴	۴/۷	۳/۹	۹/۳	۲۱/۸	۲۹/۱	۳۵/۹
متغیر	جنس		تحصیلات					شغل			طبقه اجتماعی				
سویه	م	ز	فوق دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دیپلم	نیکار	دانشجو	شاغل	بسیار پایین	پایین	متوسط	بالا	بسیار بالا	
فراوانی	۱۹۲	۱۹۲	۲۲	۲۲۲	۹۶	۴۴	۹۶	۲۳۱	۵۷	۲۲	۷۷	۹۵	۱۲۳	۶۷	
درصد	۵۰/۰	۵۰/۰	۵/۳	۵۷/۹	۲۵/۲	۱۱/۶	۲۴/۶	۶۰/۴	۱۵/۰	۵/۷	۲۰/۰	۲۴/۷	۳۲/۰	۱۷/۶	

بر اساس آماره‌های بدست آمده و ارائه شده، ۵۰/۹ درصد مربوط به جامعه آماری زنان است که همیشه، اکثر موارد و یا اغلب اوقات اعتماد سیاسی داشته‌اند و ۱۳ درصد اعتماد سیاسی نداشته‌اند و فراوانی ۳۶/۱ درصد از پاسخگویان، به ندرت اعتماد سیاسی داشته‌اند.

برای به دست آوردن ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

فرضیه اول: بین فرهنگ سیاسی نخبگان و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فرهنگ سیاسی نخبگان و هویت قومی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مردم گرایی <td>هویت قومی</td> <td>۰/۱۰۸</td> <td>۰/۰۳</td>	هویت قومی	۰/۱۰۸	۰/۰۳

با توجه به جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۳ می باشد و فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۰/۰۹۵ می توان نتیجه گرفت با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ۰/۱۰۸. مردم گرایی نخبگان بر میزان هویت قومی تأثیر دارد یعنی با افزایش مردم گرایی طبقه‌ی مسلط هویت قومی کم‌رنگ و هویت ملی قوت می گیرد.

فرضیه دوم: بین فرهنگ سیاسی حاکم و اعتماد سیاسی افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۸- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتماد سیاسی و هویت قومی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد سیاسی	هویت قومی	۰/۱۸۵	۰۰۰/۰

با توجه به جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۰۰/۰ می باشد و فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵/۰ می توان نتیجه گرفت با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ۰/۱۸۵. بین اعتماد سیاسی و هویت قومی رابطه وجود دارد با افزایش اعتماد سیاسی گرایشات هویت قومی در برابر هویت ملی ضعیف تر می شود
فرضیه سوم: بین فرهنگ سیاسی حاکم و هویت قومی افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فرهنگ سیاسی و هویت قومی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فرهنگ سیاسی نخبگان	هویت قومی	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد و فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵/۰ می توان نتیجه گرفت با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ۰/۲۳۳. فرهنگ سیاسی نخبگان بر گرایشات قومی و میزان هویت قومی تأثیر دارد.
فرضیه سوم: بین هویت ملی و هویت قومی افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای هویت ملی و هویت قومی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
هویت ملی	هویت قومی	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۰۰/۰ کمتر از ۰/۵ می باشد و فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵/۰ می توان نتیجه گرفت با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ۰/۳۴۱. حافظه تاریخی و هویت ملی بر عامل وحدت قومی تأثیر دارد یعنی با کاهش علقه های هویت ملی هویت قومی غالب می شود.

جدول ۱۰- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فرهنگ سیاسی، اعتماد سیاسی، مردم گرایی و هویت قومی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فرهنگ سیاسی نخبگان اعتماد سیاسی، مردم گرایی، هویت ملی	هویت قومی	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد و فرض صفر رد شده است و با اطمینان ۹۵/۰ می توان نتیجه گرفت با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ۰/۴۴۲. فرهنگ سیاسی نخبگان، مردم گرایی، اعتماد سیاسی و هویت ملی بر میزان هویت قومی تأثیر دارد.

۱۲. نتیجه گیری

برنامه ریزی فرهنگی جهت همراهی طبقات حکومت شونده مسأله ای که در نظریه ی گرامشی با ایجاد اعتماد سیاسی و تقویت هویت ملی مصداق می یابد. از آنجا که قدرت ساخت و انتقال فرهنگ در دست طبقه نخبه جامعه است، فرهنگ سیاسی نخبه توانسته است از طریق قدرت سیاسی، رهبری فکری و اخلاقی بر فرهنگ سیاسی توده و کنش های آنان اثر بگذارد. یک قدرت حاکم تا زمانی موفق است که بتواند روی توافقی عمومی توده های مردم تکیه کند؛ اما اگر قدرت حاکم در این زمینه شکست بخورد، بحران اقتدار با هژمونی رخ خواهد داد در نتیجه نظام سیاسی نیز از سوی توده ی مردم جایگاهی نخواهد داشت. از این رو گروه نخبه علایق و گرایشات گروه هایی که قرار است بر آنها اعمال هژمونی شود رابه رسمیت می شناسد. که این توافقی معینی بر مبنای

مصالحه است و بر میزان اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی مردم و ایجاد امنیت و نظم در جامعه اثر گذار است. این مسأله در جوامعی با دارا بودن هویت قومی بیشتر اهمیت می‌یابد. مادامی که توده‌ی مردم با داشتن یک هویت قومی احساس تبعیض را داشته باشند اعتماد سیاسی و هویت ملی رنگ می‌بازد و از آنجا که هژمونی، زمینه‌ی ایدئولوژیک و فرهنگی حفظ سلطه‌ی طبقه‌ی مسلط بر طبقات پایین از طریق کسب رضایت آن‌ها و ترغیب آن‌ها به پذیرش ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی مسلط به منظور دستیابی به اجماع و وفاق عمومی است. تلاش برای اغناع پذیری و کسب اعتماد سیاسی در بیم توده‌ها با داشتن هویت قومی امری بدیهی است. با توجه به این مباحث پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در نتیجه‌ی تلاش برای هژمون از سوی گروه نخبه‌ی حاکم میزان اعتماد سیاسی در بین زنان در شهر ایلام به دلیل ویژگی اقتناع پذیری بیشتر از مردان بود اما جامعه‌ی آماری مردان از اعتماد سیاسی کمتر و در نتیجه میل به گرایش‌های قومی بیشتری برخوردار بودند.

منابع و مآخذ

- آتوویت، ویلیام؛ باتامور، تام (۱۳۹۱). *فرهنگ علوم اجتماعی در قرن بیستم*، ترجمه حسن چاوشیان تهران: نشر نی.
- اعتماد، شاپور (۱۳۸۳). *معادلات و تناقضات گرامشی*، ترجمه‌ی محمدرضا زمردی، تهران: طرح نو.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: قومس.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۵). *اسلام سیاسی و نظام امنیتی غرب آسیا*، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم شماره ۳۵، ۶۷-۴۵.
- بشیری، حسین (۱۳۸۲). *عقل در سیاست*، سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۸۳). *اندیشه‌های مارکسیستی*، تهران: نشر نی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۸). *هربرت بلومر و کنش متقابل‌گرایی نمادی*، تهران: بهمن برنا.
- پای و دیگران (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴). *صورت بنیادین حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دباغ، سروش (۲۰۱۷). *در باب فلسفه تحلیلی: با محوریت ویتگنشتاین*، بی جا.
- دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۱). *پیر بوردیو انسان شناس*، جامعه‌شناس (یادی از پیر بوردیو)، ترجمه مرتضی کتبی، نامه انسان شناسی، ش ۱، بهار و تابستان
- ریترز، جرج، (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- زارع کهنمویی، اصغر (۱۳۹۴). *برابری و رفع تبعیض*، تبریز: موغام.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹). *فرهنگ سیاسی*، تهران: فرزانه روز.
- شندلباخ، هربرت (۱۳۹۴). *تاریخ و تبیین مفهوم خرد*، ترجمه رحمان افشاری، تهران: مهر اندیش.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- عسکری ندوشن، عباس و دیگران (۱۳۸۸). *توصیفی از میزان گرایش خرافات در شهر اهواز*، پژوهشنامه، ش ۴۱، ۱۴۳.
- فارسون، سمیح و مهرداد مشایخی (۱۳۷۹). *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه معصومه خالقی، تهران: انتشارات باز.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). *روابط بین الملل، نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت.
- قادر (هیرش) زکریا (۱۳۹۴). *عقل سیاسی ایرانی و هویت‌خواهی‌گردها*، کردستان: هوزان
- نفیسی، رسول (۱۳۷۹). *فرهنگ سیاسی و هویت ملی*، گردآوری و تنظیم ماندانا تیشه یار، فصلنامه مطالعات ملی دوره دو ش ۵، ۱۷۷-۱۹۱.

- کوئن، بروس (۱۳۷۳). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- کاظمیان، مرتضی (۱۳۸۴). *نظام سلطنتی، بحران هژمونی و اقتدار*، تهران: نشر قصیده‌سرا.
- کوش، دنی (۱۳۷۱). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، ترجمه فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش و مرکز مطالعات مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: قومس.
- گوستاولوبون (۱۳۷۱). *روانشناسی توده‌ها*، مترجم کیومرث خواجوی‌ها، تهران: روشنگران.
- لارسن، کالوین جی (۱۳۷۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی محض و کاربردی*، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی، تهران: سمت.
- لینکلتر، اندرو (۱۳۸۶). *مارکسیسم*، ترجمه علیرضا طیب، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- میخلز، روبرت (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی احزاب سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده تهران: قومس.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۲). *مبانی جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- نادری فارسانی، سیاوش (۱۳۹۱). *فلسفه فرهنگ منابع و مناشی فرهنگ*، تهران: بی‌جا.
- محمدی، مجید (۱۳۷۹). *راه دشوار اصلاحات: مولفه‌ها و موانع توسعه*، تهران: جامعه ایرانیان.
- واکونت، لویی (۱۳۷۲). *پی‌یر بوردیو*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر آگه.
- یورگنسن و فیلیس (۱۳۹۱). *تحلیل گفتمان*، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Bourdieu, Pierre (1977) *Outline of a Theory of Practice*, Cambridge, Cambridge University Press

Bourdieu, Pierre (1990) *The Logic of Practice*, Polity Press

Hermann, Charles. (1969). "International Crisis as a Situational Variable". Publisher of Connections: The Quarterly Journal

Ibrahimi, Niamatullah (2023) *The state, identity politics and ethnic boundaries in Afghanistan: The case of Sunni Hazaras, Nations and Nationalism*. 2023; 29:669–685.

Leiviska, Anniina (2019) *The Issue of Radical Otherness in Contemporary Theories of Democracy Citizenship Education*, Journal of Philosophy of Education, Vol 52.

Mudde & Kaltwasser, C. R. (2012), *Populism in Europe and the Americas: Threat or corrective for democracy?* Cambridge University Press.

Martin, John Levi (2003). *What Is Field Theory?*, A J S. Volume 109.

Robertson, D. (2004). *The Routledge Dictionary of Politics*, London, Routledge, 2004.

Rom, Mark Carl, Hidaka, Masaki and et al (2022) Introduction to political science, *Openstax Press, Digital*: ISBN-13: 978-1-951693-56-5

Rupert, Mark. (2009), "Antonio Gramsci", in Jenny Edkins and Nick Vaughan Williams (Eds.), *Critical Theorists and International Relations*, London and New York: Routledge

Suter Suter, C. (1994). 'Genesis and Dynamics of Populist Regimes at the Periphery', in: *Conflicts and New Departures in World Society*, Volker Borschier and Peter Lengyel (eds.), New Jersey: Transaction Press

Investigating the role of elite political culture in the ethnic identity of the masses and its effect on teaching political order (Case study: Ilam)

Fateme Nasrolahi¹

Department of History, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Akram Hamidian²

Sociology Assistant of Payam-e Noor University, Tehran, Iran

Abstract: *The present study aims to investigate the role of elite political culture in the ethnic identity of the masses and to educate and accept the political order. Our statistical population is citizens over the age of 20 in Ilam. The elites of society are distinguished from the masses by their political, economic and social power. If we define political culture as the type of attitude of society towards the political system, the elites and masses of society have different political cultures and in societies that have ethnic identity, the type of political culture prevails in strengthening or weakening their ethnic identity and political trust. Accepting political order can be effective. The research method in this research was survey and the data collection technique was a questionnaire. Questionnaires were randomly distributed among 150 Elamite citizens. The results of this study show that the political culture of the masses of the people of Ilam, influenced by the political culture of the society's elites, creates a sense of discrimination influenced by ethnic identity, which has an effective role in stabilizing or destabilizing the political order of society. The findings of this study show that the level of political trust and acceptance of political order and consequently social order among citizens over 20 years of age, considering the ethnic identity of women compared to men is at a desirable level*

Keywords: *Political Trust, Tudeh Political Culture, Elite Political Culture, Ethnic Identity, Citizens of Ilam.*

¹ Email: nasrolahi2023@pnu.ac.ir (Corresponding Author)

² Email: hamidian@pnu.ac.ir